



۱۱

درخواست حاتمی‌کیا از مردم



۱۲

گاف تازه ترامپ

فرهنگ

یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۹۹ :: شماره ۵۶۳۲



در روزهای قرنطینه، موج تازه‌ای از فعالیت‌های فرهنگی و هنری در فضای مجازی آغاز شد

روی خط قرنطینه

۱۰

تازه‌های نشر

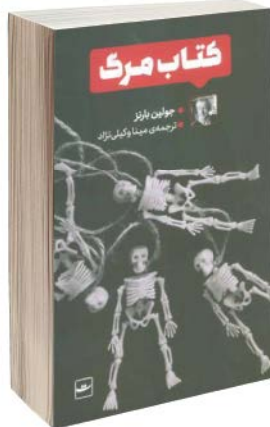
کتاب مرگ

نویسنده: جولین بارنز

مترجم: مینا وکیلی‌نژاد

نشر تداعی

قیمت ۲۸ هزار تومان



وقتی زمان مرگ انسان فرا می‌رسد، بهترین سناریو چه می‌تواند باشد؟ جولین بارنز در «کتاب مرگ» با شوخ طبعی و از جنبه‌های مختلف به موضوع «پایان زندگی» که همیشه یکی از فکرها و دغدغه‌های ما است، می‌پردازد.

این کتاب راهنمای خوبی برای مواجهه با ماهیت عجیب و غریب و غیرعادی موضوعی است که همه ما را به هم پیوند می‌دهد: مرگ.

بارنز در مراسم خاکسپاری مادرش فکر می‌کرد شاید مرگ او به اندازه مرگ پدرش برایش ناراحت‌کننده نباشد. اما این‌طور نبود و مرگ مادرش در حقیقت مرگ او و برادرش بود. در «کتاب مرگ»، که در واقع گردیده‌ای است از بخش‌هایی از کتاب «چیزی برای ترسیدن وجود ندارد»، نویسنده به بررسی مسائلی مانند خاطرات، اصول اخلاقی و وداع‌های آخر می‌پردازد. او با دیدگاهی منطقی و غیراحساسی اهمیت علمی، مذهبی و عاطفی زندگی فناپذیر را بررسی می‌کند.

نویسنده در اقدامی تأثیرگذار، کتاب را با خاطراتی از مرگ والدینش و واکنش متضاد او و برادر فیلسوفش به این واقعیت که آنها افراد بعدی در صف مرگ هستند شروع می‌کند و بعد از آن، پرسش‌ها و بحث‌هایی فلسفی را مطرح می‌سازد. آیا باور به زندگی پس از مرگ واقعاً پذیرش مرگ را ساده‌تر می‌کند؟

آیا واقعا می‌توانیم واقعیت و حقیقت مرگ و پایان زندگی‌مان را درک کنیم؟ اگر خوش‌شانس باشیم و در سنین ۷۰، ۸۰ یا ۹۰ سالگی بمیریم، با سالخوردگی وداع می‌کنیم نه با زندگی‌ای که در جوانی داشتیم. آیا این می‌تواند مایه دلگرمی و تسلی ما باشد؟

بارنز می‌پذیرد که این کتاب در واقع خلاصه‌ای از زندگی اوست و در حال آن به موضوعاتی مانند عشق، دوستی، موسیقی، هنر، جامعه، سفر، ورزش، لطیفه و این واقعیت که «او عاشق همسرش بوده و از مرگ می‌ترسیده» اشاره کرده است. بارنز ادعا می‌کند که در تمام زندگی‌اش به مرگ فکر کرده است، اما از قرار معلوم، مرگ والدینش (مرگ پدرش در سال ۱۹۹۲ و بعد از آن، مرگ مادرش در سال ۱۹۹۷) باعث می‌شود با تشویش و نگرانی بیشتری به مرگ فکر کند و ضرورت تفکر درباره آن را بیشتر احساس کند. او به ترسش از مرگ اعتراف می‌کند و می‌گوید از مرگ بیشتر از مردن می‌ترسد.

نامه‌ای منتشر شده که براساس آن سینماگران خواهان آزادی سید محمد امامی، تهیه‌کننده‌ای شده‌اند که به اتهام اختلاس در زندان است، امضاکنندگان این نامه اما امضای آن را تکذیب می‌کنند

بدون تاریخ، بدون امضاء



زینب مرتضایی فرد

دبیر فرهنگ و هنر

نامه دست به دست می‌چرخد و خیلی‌ها درباره‌اش حرف می‌زنند. برخی سینماگران که اغلب هم نام‌هایی شناخته‌شده هستند، خطاب به حجت‌الاسلام رئیسی، رئیس قوه قضاییه نامه نوشته و خواهان آزادی سید محمد امامی شده‌اند. همان مردی که به عنوان تهیه‌کننده فعالیت‌های گسترده‌ای در سینما داشت و بعدتر هم به جرم اختلاس راهی زندان شد و برای اولین بار ماجرای سیطره پول‌های کثیف در سینما را علنی کرد. در ساعات اولیه پس از انتشار خیلی‌ها نامه را ساختگی دانستند و منتظر

تکذیبش بودند. عده دیگری هم شروع کرده بودند به قضاوت درباره نام‌های موجود در این نامه، نام‌هایی که البته با گذر دقائق و ساعت‌ها نام‌های موجود در آن شروع کردند به تکذیب امضایشان و هر کدام دلیلی آوردند بر این‌که از وجود نامشان در نامه بی‌اطلاع بوده یا امضای آن را منوط کرده بودند به خواندنش قبل از ارائه به رئیس قوه قضاییه.

۱ محتوای نامه چه بود؟

تا لحظه نگارش این گزارش یعنی عصر روز گذشته تنها کیانوش عیاری صادقانه اعلام کرد نامه را امضا کرده و از این کار خود هدفی انسان دوستانه داشته است. او در این باره گفت: نامه‌ای که صرفاً با نیت انسان دوستانه و با هدف فراهم شدن شرایط آزادی موقت یکی از تهیه‌کنندگان سینما و نمایش خانگی نوشته شده بود. ما نیز مثلاً بقیه امضاکنندگان نامه برای این که قدیمی در راه کمک به یکی از هم‌صنفان مان برداریم این نامه را امضا کردیم. او تأکید کرد، بر همگان واضح و مبهرن است که نه ما در مقام قضاوت نشست‌ه‌ایم و نه کسانی که بدون هیچ سند و مدرکی و تنها براساس شنیده‌هایشان اصرار بر گناهکار بودن وی دارند. بنابر این واقفیم تشخیص این امر تنها بر عهده قوه قضاییه است و بس. هر چند عیاری و اغلب دیگر نام‌های موجود در نامه از چهره‌های شناخته‌شده سینما هستند، اما ماجرای جانبداری از شخصی که به عنوان متهم در زندان به سر می‌برد، موضوع عجیبی است که با مرور متن نامه عجیب‌تر هم می‌شود. در بخشی از این نامه سید محمد امامی با عناوین و خدماتی ستایش شده که اصلاً نمی‌توان تصور کرد این نوشته درباره متهمی است که به اتهام اختلاس از بانک سرمایه و صندوق فرهنگیان زندانی شده و حالا در نامه سینماگران با القابی چون مایه عزت، محترم، بابرو، سرباز ایران، با اخلاق و ... خطاب شده است.

۲ سوالاتی که مطرح است

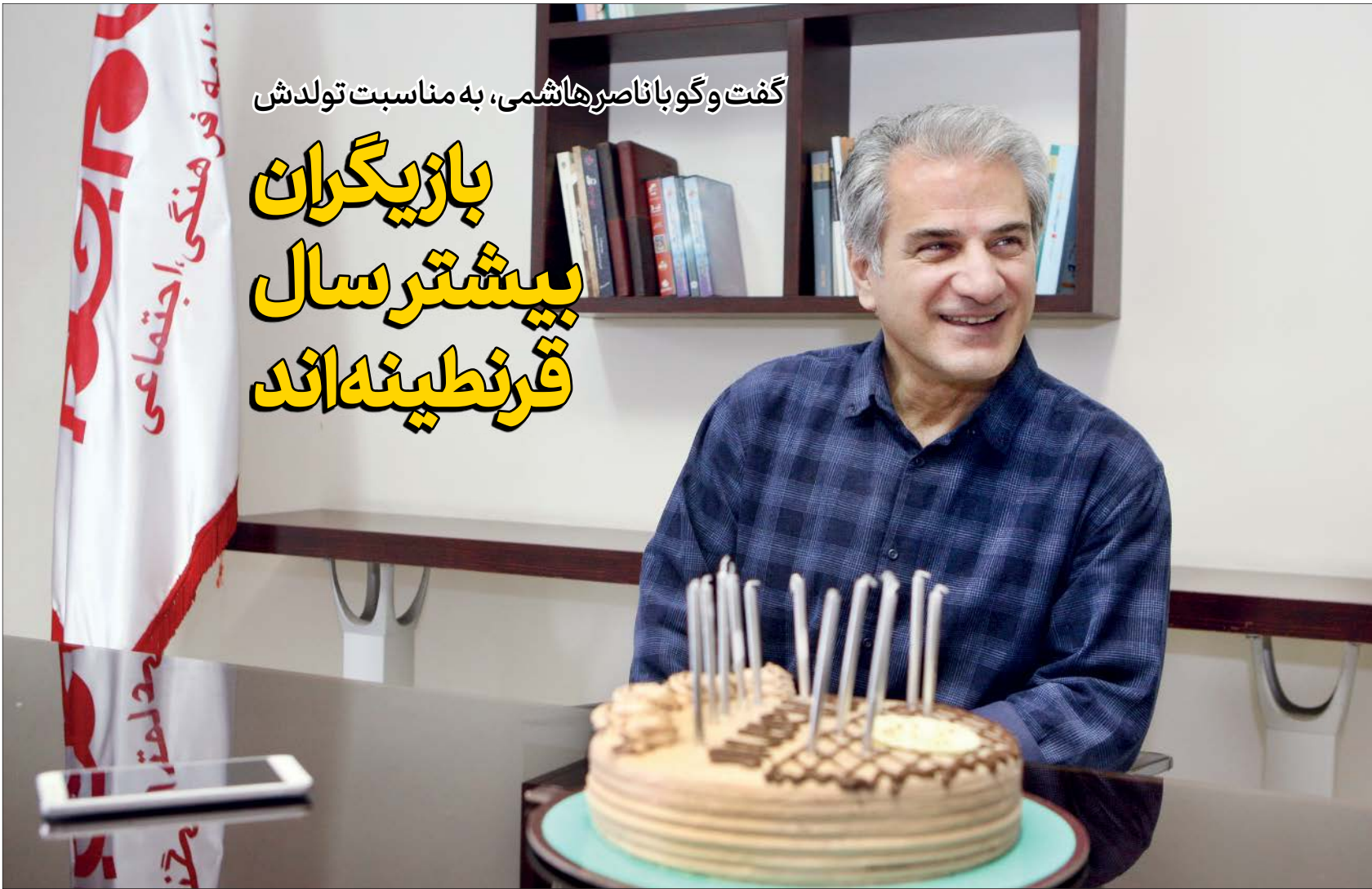
باید این پرسش مهم را هم مطرح کرد که امامی چه فرقی با دیگر زندانیان دارد؟ آیا دیگران کار بدی کرده‌اند که مرتکب مفسده اقتصادی شده و ماحصل آن عمل مجرمانه خود را به سینما نیاورده‌اند؟ اگر کسی جرمی مرتکب شود و در کنارش به سینما و سینماگر هم روی خوش نشان داده باشد، می‌تواند از حمایت سینماگران برخوردار شود و برخی برای مصونیت او از اجرای قانون وارد صحنه شوند؟ هر طوری که نگاه کنیم انتشار این نامه و نوشتن این القاب درباره مردی که دستگاه قضا او را متهم دانسته عجیب و زیر سوال است، ضمن این‌که دستگاه قضایی را هم زیر

۳ ماجرای امامی و حسنی‌نسب

حکم امامی مشخص شده بود و روزهای حبسش هم آغاز شده بود. که از همان گوشه زندان توانست نیما حسنی‌نسب منتقد سینما را که تصادف کرده بود و حال خوشی نداشت با ویلچر بکشاند به دادگاه که چراغی‌ه او در صفحه مجازی‌اش

۴ همه منهای یک نفر!

ظاهراً هیچ‌کس نامه را امضا نکرده جز یک نفر! هر چند باید در این میان عیاری را به سبب پذیرش مسوولیت نامه‌ای که امضا کرده و تلاش نمی‌کند تا آن را تکذیب کند، ستود اما نمی‌توان قضاوت محکمی هم داشت درباره تکذیب و تأییدها اما هر چه باشد عیاری این نکته را مطرح کرده که ماجرای امضای نامه در میان سینماگران مطرح بوده و آنقدری که برخی خودشان را به ندانستن می‌زنند ماجرا تازه و ناآشنا هم نیست. مهدی کرم‌پور، روح‌الله حجازی، علی سرتیپی، مجید رجبی معمار، پیمان قاسم‌خانی و بسیاری نام‌های دیگر طبق لیست منتشر شده نامه را امضا کرده‌اند. محسن تنابنده، احمد مهرانفر، مهران احمدی و بسیاری دیگر امضای نامه را تکذیب کرده‌اند. برخی هم گفته‌اند قرار



گفت و گو با ناصر هاشمی، به مناسبت تولدش

بازیگران بیشتر سال قرنطینه‌اند

ناصر هاشمی امروز ۶۴ ساله می‌شود. البته این عکس مربوط به تولدی است که چند سال پیش برای او گرفته‌شده عکس مجید آزاد

➤

۲ قطعه با الهام از مثنوی معنوی

از آلبوم «شمس جان» آن‌قدر استقبال شد که عماد توحیدی را به ساختن دو اثر دیگر درباره مولانا علاقه‌مند کند. این آهنگساز قرار است، قطعه‌های «ضیاء الحق» و «صلاح الحق» را با محوریت حکایات مثنوی معنوی بسازد. مهر این خبر را منتشر کرده و از قول توحیدی نوشته است: در آلبوم اول، حکایت «پادشاه و کنیزک» به مناسبت مضمون و اشارات داستان، «شمس جان» نام گرفت و این آغازی بود بر سه گانه‌ای متکی بر روایت سه حکایت نغز و پرمغز مثنوی معنوی. اثر دوم «ضیاء الحق» نام دارد که لقب حسام‌الدین چلبی آرموی بوده است و مولانا در دفتر اول در مورد او و شمس چنین سروده: «روز سایه آفتابی را بیاب / دامن شه شمس تبریزی بتاب... ره ندانی جانب این سور و عرس / از ضیاء الحق حسام‌الدین بپرس». اثر پایانی این سه گانه نیز «صلاح الحق» نام دارد که اشارت به صلاح‌الدین زرکوب است.

این آهنگساز که در دهه ۸۰ با تهیه‌کنندگی مرکز موسیقی حوزه هنری سازنده آلبوم‌های سه‌گانه موفق «کولی کوبی»، «ذوالجناح» و «قلندروار» با بهره‌گیری از ۸۰ سازکوبه‌ای بوده، در مورد همکاری خود در دواثر باقیمانده تأکید کرد: حضور مغنم عبدالجبار کاکایی و داوود آزاد نه فقط به لحاظ مرتبت رفیع هنری ایشان بلکه به دلیل معرفت و انس جانانه این دو با سلوک و شعر مولانا است. در کنار این بزرگان از محضر هنرمندان شاخص دیگری نیز بهره‌مند خواهیم شد که بعد از توافقات نهایی اخبار آن منتشر خواهد شد. همچنین حضور موثر آرش صفدری و وحید اختری به عنوان مشاوران هنری، صدابردار و ناظر ضبط در پروژه قطعی است.

توحیدی که رساله دکتری او در دانشکده فیلولوژی دانشگاه مسکو با موضوع مولانا بوده است، توضیح

داده که انجام این پروژه جدای از دغدغه‌های همیشگی‌اش در حوزه ادبیات، سوق دادن مخاطب به سوی معنویت ناب و اصیل نهفته در این اشعار است. او به یاد می‌آورد که پرفسور اولریش مارزلف یکی از صاحبزنان برجسته جهان در حوزه افسانه، در کارگاه طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی، مثنوی را گنجینه منحصربه‌فرد و پایان‌ناپذیر حکمت ایرانی در تاریخ بشریت نامیده است. توحیدی ضمن این یادآوری توضیح می‌دهد: به هر حال در روزگاری که شوربختانه دستاوردهای عرفان ایرانی - اسلامی و مولانا تبدیل به دستاویزی برای دکانداری و سوداگری عده‌ای متظاهر فرومایه در پوشش عرفان‌های کاذب و ریاورزانه شده، نیاز به روایت و ارائه صحیح و بی‌غل و غش آثار ارجمند زبان فارسی و تفسیر صحیح آنها بیشتر احساس می‌شود.

این پژوهشگر و مدرس موسیقی تأکید می‌کند: همان‌طور که از آثار به جامانده از شمس تبریزی، استاد معنوی مولانا نیز در می‌یابید که او نیز دانش گسترده‌ای در ادبیات، لغت، تفسیر قرآن و عرفان داشته است و بی‌تردید مولانا جلال‌الدین را از این خزائن شریف بهره‌مند ساخته است. مثنوی، اثری بی‌همتا و بی‌رقیب است و می‌توان از مشی مصلحانه و منش مؤمنانه معارف آن در جهت رشد معنوی جامعه بهره برد.